

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



انتشارات
۹۱۵

مبانی معرفت شناختی نقد ادبی عرب

رویکرد فلسفی - کلامی

دکتر سیدحسین سیدی
استاد دانشگاه فردوسی مشهد

سرشناسه:	سیدی، سیدحسین، ۱۳۴۱ -
عنوان و نام پدیدآور:	مبانی معرفت‌شناختی نقد ادبی عرب؛ رویکرد فلسفی - کلامی/پدیدآورنده سیدحسین سیدی؛ ویراستار علمی هومن ناظمیان؛ ویراستار ادبی هانیه اسدپور فعال مشهد.
مشخصات نشر:	مشهد: دانشگاه فردوسی مشهد، انتشارات، ۱۴۰۲.
مشخصات ظاهری:	۳۳۶ ص.
فروست:	انتشارات دانشگاه فردوسی مشهد؛ ۹۱۵.
شابک:	ISBN: 978-964-386-612-9
وضعیت فهرست‌نویسی:	فیا.
یادداشت:	کتابنامه. نمایه.
موضوع:	ادبیات عربی -- تاریخ و نقد نقد ادبی
شناسه افزوده:	ناظمیان، هومن، ۱۳۵۷ -، ویراستار
شناسه افزوده:	دانشگاه فردوسی مشهد، انتشارات.
رده‌بندی کنگره:	PJA۲۱۵۵
رده‌بندی دیویی:	۸۹۲/۷۰۹
شماره کتابشناسی ملی:	۹۵۳۰۰۴۶

Arabic literature -- History and criticism
*Literary criticism

مبانی معرفت‌شناختی نقد ادبی عرب؛ رویکرد فلسفی-کلامی

پدیدآورنده: دکتر سیدحسین سیدی
ویراستار علمی: دکتر هومن ناظمیان
ویراستار ادبی: هانیه اسدپور فعال مشهد
مشخصات: وزیری، ۲۰۰ نسخه، چاپ اول، بهار ۱۴۰۳
چاپ و صحافی: چاپخانه دقت
بها: ۳/۰۰۰/۰۰۰ ریال
حق چاپ برای انتشارات دانشگاه فردوسی مشهد محفوظ است.



مراکز پخش:

فروشگاه و نمایشگاه کتاب پردیس: مشهد، میدان آزادی، دانشگاه فردوسی مشهد، جنب سلف یاس
تلفن: ۳۸۸۰۲۶۶۶ - ۳۸۸۳۳۷۲۷ (۰۵۱)
مؤسسه کتابیران: تهران، میدان انقلاب، خیابان کارگر جنوبی، بین روانمهر و وحید نظری، بن‌بست
گشتاسب، پلاک ۸ تلفن: ۶۶۴۸۴۷۱۵ (۰۲۱)
مؤسسه دانشیران: تهران، خیابان انقلاب، خیابان منیری جاوید (اردیبهشت) نبش خیابان نظری، شماره ۱۴۲
تلفکس: ۶۶۴۰۰۲۲۰ - ۶۶۴۰۰۱۴۴ (۰۲۱)

<http://press.um.ac.ir>

Email: press@um.ac.ir

فهرست کلی مطالب

کلیات: نقد نقد

فصل اول: فلسفه، ادبیات، نقد

فلسفه و نقد ادبی

نقد و هرمنوتیک

زبان خاستگاه تأویل

فصل دوم: سیر تاریخی اندیشه نقدی عرب

نقد پیشاسلامی

نقد پساسلامی

موضع ایدیولوژیک بلاغت دانان

تحلیل پارادایمی

فصل سوم: رویکردهای فلسفی در نقد ادبی عرب

ادب عربی میراث خوار سه فرهنگ

بوطیقای ارسطو و نقد

فیلسوفان مسلمان و نقد شعر

نقد با رویکرد فلسفی

فصل چهارم: رویکرد کلامی در نقد ادبی عرب

رویکرد اعتزالی

رویکرد اشعری

بوطیقای قرآن

فهرست تفصیلی مطالب

۱۰	کلیات پژوهش
۱۳	مفهوم‌شناسی
۱۷	فصل ۱. فلسفه، ادبیات و نقد
۱۷	فلسفه در جهان اسلام
۲۰	نسبت فلسفه و ادبیات
۲۲	گفتمان فلسفی و گفتمان ادبی
۲۷	گونه‌های ارتباط فلسفه و ادبیات
۲۹	شعر و فلسفه
۳۱	فلسفه و نقد ادبی
۳۵	مسئله‌بینش در ادبیات
۳۶	تخیل و صدق
۳۷	تقویت‌شناختی
۳۹	نقد و هرمنوتیک
۴۲	نقد به‌مثابه تأویل
۴۵	زبان، خاستگاه تأویل
۵۱	فصل ۲. سیر تاریخی اندیشه نقدی عرب
۵۱	نگاهی به تاریخ نقد عربی
۵۲	به‌سوی دانش نقد
۵۳	ارزش کتاب البدیع و قواعد الشعر
۵۴	بررسی تاریخی
۵۵	روش نقدی قرشی و ابن‌سلام
۵۶	روش قرشی در جمهره/شعار/العرب
۵۷	نقد در عصر جاهلی
۶۱	نقد مبتنی بر مبانی
۶۳	نقد در دوره اسلامی و اموی
۶۴	تأثیر قرآن بر نقد عربی
۶۷	اعجاز قرآن و نقد زیبایی‌شناختی
۶۸	مطالعات بیانی قرآن
۶۹	نقد در عصر اموی
۷۳	نقد زبان‌شناختی و نحوی

۷۶.....	نقد در دورهٔ عباسی
۸۱.....	نقد و بلاغت
۸۹.....	نقد ادبی پس از قرن چهارم
۹۳.....	دست‌آورد ناقدان و بلاغت‌دانان مسلمان
۹۷.....	کتاب‌شناسی پیوند نقد و بلاغت در دورهٔ عباسی

فصل ۳. رویکردهای فلسفی در نقد ادبی عرب

۹۹.....	زمینه‌های فرهنگی و اجتماعی
۹۹.....	ادب عربی میراث‌خوار سه فرهنگ
۱۰۰.....	۱- فرهنگ و ادبیات هندی
۱۰۰.....	۲- فرهنگ و ادبیات یونانی
۱۰۰.....	۳- فرهنگ و ادبیات ایرانی
۱۰۱.....	تأثیر فلسفهٔ یونان بر ادب عربی
۱۰۸.....	رویکرد فلسفی در نقد
۱۱۰.....	بوطیقای ارسطویی و نقد عربی
۱۱۱.....	بوطیقای عرب
۱۱۳.....	بازتاب تأثیر بوطیقای ارسطو
۱۱۳.....	طه حسین
۱۱۴.....	امین الخولی
۱۱۴.....	محمد غنیمی هلال
۱۱۴.....	شوقی ضیف
۱۱۴.....	عبدالرحمن بدوی
۱۱۵.....	احسان عباس
۱۱۵.....	نقش فیلسوفان مسلمان
۱۱۷.....	رویکرد فیلسوفان مسلمان به نقد ادبی
۱۱۸.....	ارسطو، افلاطون و شعر
۱۱۸.....	محاکات؛ ارسطو و فیلسوفان مسلمان
۱۱۹.....	افلاطون و محاکات
۱۲۰.....	فیلسوفان مسلمان و محاکات
۱۲۰.....	فارابی (۳۳۹ هـ)
۱۲۲.....	انواع گفتار شعری
۱۲۳.....	تقسیم‌بندی شعر و شاعران
۱۲۴.....	کارکرد شعر
۱۲۶.....	ابن سینا (۴۲۸ هـ)
۱۲۷.....	ابن سینا و محاکات
۱۲۷.....	زیبایی‌چینش و تناسب
۱۲۸.....	مؤلفه‌های خیال

۱۲۹.....	جایگاه خیال در نظام منطقی ابن‌سینا
۱۲۹.....	کارکرد شعر از نظر ابن‌سینا
۱۳۰.....	کارکرد زیبایی‌شناختی
۱۳۱.....	ابن‌رشد (۵۲۰ هـ ق)
۱۳۲.....	محاکات و تشبیه
۱۳۳.....	کارکرد شعر
۱۳۳.....	کارکردهای دیگر
۱۳۴.....	زبان شعر
۱۳۵.....	حازم القرطاجنی (۶۸۴ هـ)؛ احیای نقد ارسطویی
۱۳۶.....	منابع فکری حازم
۱۳۷.....	گفتمان بلاغی- فلسفی حازم
۱۳۷.....	مبانی فلسفی حازم
۱۳۸.....	صورت و ماده
۱۳۹.....	تخییل
۱۴۱.....	تعریف شعر بر پایه استدلال‌های منطقی
۱۴۲.....	محاکات یا بازنمایی
۱۴۳.....	انواع محاکات شعری از نظر حازم قرطاجنی
۱۴۴.....	کارکرد شعر
۱۴۵.....	کارکرد زیبایی‌شناختی
۱۴۶.....	بازنمایی شیشه و آب
۱۴۷.....	شگفت‌انگیزی، اساس کارکرد زیبایی‌شناختی
۱۴۸.....	کارکرد اخلاقی
۱۴۸.....	ارزیابی رویکرد نقدی حازم
۱۴۹.....	۱- وحدت ارگانیسم در قصیده
۱۵۰.....	۲- بافت
۱۵۰.....	بررسی مفاهیم نقدی و فلسفی
۱۵۰.....	۱- دوگانۀ لفظ و معنا
۱۵۱.....	دوگانۀ لفظ، معنا و علم کلام
۱۵۳.....	رویکرد نقدی به لفظ و معنا
۱۵۳.....	نقد با رویکرد فلسفی
۱۵۳.....	نظریۀ نقدی جاحظ (۲۵۵ هـ)
۱۵۴.....	جاحظ و دوگانه لفظ و معنا
۱۵۶.....	همگنی لفظ و معنا
۱۵۷.....	جنبه‌های زبان‌شناختی دیدگاه جاحظ
۱۵۷.....	جامعه‌شناسی زبان
۱۵۸.....	نظریۀ نقدی ابن‌قتیبه (۲۸۶ هـ ق)
۱۵۸.....	برزخ میان نقد ارسطویی و نقد عربی

۱۵۹.....	ساختار و کارکرد شعر
۱۶۰.....	پیوند ساخت و اخلاق
۱۶۰.....	معیار نقد شعر
۱۶۲.....	قدامۀ بن جعفر (۳۳۷ هـ)؛ رویکرد منطقی
۱۶۳.....	تأثیر اندیشۀ فلسفی
۱۶۴.....	تناسب
۱۶۵.....	معیارهای هشت‌گانه قدامه
۱۶۶.....	ابن‌رشیق (۴۵۶ هـ)؛ پیوند نقد و بلاغت
۱۶۶.....	مفهوم و ساخت شعر
۱۶۷.....	ساخت شعر
۱۶۸.....	کارکرد شعر
۱۶۹.....	وجه سبک‌شناختی شعر
۱۷۱.....	ابن‌طباطبا علوی (۳۲۲ هـ)؛ جمع سنت عربی و سنت یونانی
۱۷۲.....	مفهوم و ساختار شعر
۱۷۴.....	تصویر هنری
۱۷۵.....	صدق
۱۷۵.....	گونه‌های صدق
۱۷۶.....	لفظ و معنا
۱۷۶.....	ابن‌طباطبا و نظریۀ دریافت
۱۷۹.....	فصل ۴. رویکرد کلامی در نقد ادبی عرب
۱۷۹.....	بلاغت و ایدئولوژی
۱۸۱.....	زبان و ایدئولوژی
۱۸۳.....	موضع ایدئولوژیک بلاغت‌دانان
۱۸۴.....	متکلمان اشعری و معتزلی و مبانی ایدئولوژیک
۱۸۶.....	تحلیل پارادایمی
۱۸۶.....	مبانی ایدئولوژیک
۱۸۷.....	معتزله و کلام باری
۱۸۸.....	مجاز، مبنای تأویل
۱۸۹.....	لفظ و معنا
۱۹۱.....	معتزله و قصد
۱۹۳.....	رویکرد اعتزالی
۱۹۵.....	ماهیت کلام باری
۱۹۷.....	متکلمان و اعجاز
۱۹۷.....	زمینۀ تاریخی
۱۹۸.....	بوطیقای قرآن
۲۰۲.....	تبیین وجه بوطیقای متن قرآن با تکیه بر آیات

۲۰۶.....	تأثیر متن قرآن بر نو مسلمانان.....
۲۱۳.....	متکلمان و نقد ادبی.....
۲۱۳.....	تصویر شعری.....
۲۱۵.....	جاحظ و اعجاز قرآن.....
۲۱۶.....	واژه‌گزینی قرآن.....
۲۱۶.....	تشبیه و مجاز.....
۲۱۹.....	لفظ و معنا.....
۲۲۰.....	در باب معنا.....
۲۲۰.....	جنبهٔ متافیزیکی بیان.....
۲۲۲.....	رویکرد اعتزالی به مسئلهٔ لفظ و معنا.....
۲۲۲.....	ابن‌سنان خفاجی (۴۶۶ هـ): نقد زبان‌شناختی با رویکرد اعتزالی.....
۲۲۴.....	دیدگاه‌های نقدی ابن‌سنان.....
۲۲۵.....	دوگانهٔ لفظ و معنا.....
۲۲۶.....	اعجاز و مسئلهٔ لفظ و معنا.....
۲۲۷.....	عبدالجتار معتزلی (۴۱۵ هـ): اعتزالی معناگرا.....
۲۲۷.....	خاستگاه زبان.....
۲۲۸.....	پیوند دال و مدلول.....
۲۲۸.....	قصد گوینده.....
۲۲۸.....	کلام و نظام.....
۲۲۹.....	نقش گوینده.....
۲۳۰.....	ذهن و زبان.....
۲۳۰.....	نحو.....
۲۳۳.....	معناگرایی عبدالجتار.....
۲۳۴.....	زمخشری (۵۳۸ هـ): بلاغت در خدمت اندیشهٔ اعتزالی.....
۲۳۴.....	تاویل در همهٔ سطوح متن.....
۲۳۶.....	مجاز، سلاح معتزله.....
۲۳۸.....	زیبایی‌شناسی متن و اعتزال.....
۲۳۸.....	رمانی (۳۸۴ هـ): زیبایی‌شناسی سبک قرآن از دیدگاه اعتزالی.....
۲۴۰.....	کارکردگرایی.....
۲۴۰.....	تناسب متن.....
۲۴۱.....	وجه زیبایی‌شناختی متن.....
۲۴۲.....	شریف مرتضی (۴۳۶ هـ): رویکرد شیعی به اعجاز.....
۲۴۳.....	تحدی:.....
۲۴۴.....	صرفه و اعجاز برون‌متنی.....
۲۴۴.....	تاویل متن.....
۲۴۶.....	نقد زبان‌شناختی.....
۲۴۶.....	سبک‌شناسی متن.....

۲۴۸.....	مجاز.....
۲۴۹.....	رویکرد کلام اشعری.....
۲۴۹.....	مبانی اندیشگانی اشعریان.....
۲۴۹.....	صفات خداوند.....
۲۵۱.....	رویکرد اشاعره به متن.....
۲۵۶.....	جرجانی (۴۷۱ هـ)؛ ساخت‌گرایی و تأویل.....
۲۶۱.....	نظریه نظم یا ساختارگرایی.....
۲۷۸.....	باقلانی (۴۰۳ هـ)؛ رویکرد اشعری به سبک قرآن.....
۲۷۹.....	باقلانی و سبک قرآن.....
۲۸۱.....	باقلانی و پیوستگی لفظ و معنا.....
۲۸۳.....	باقلانی و وجه زیبایی‌شناختی متن.....
۲۸۴.....	ابن‌اثیر (۶۳۷ هـ)؛ نقد نقد.....
۲۸۴.....	ادبیّت متن.....
۲۸۶.....	نزاع نحوی و بلاغی.....
۲۸۶.....	خودپسندگی متن ادبی.....
۲۸۷.....	زبان شعر.....
۲۸۸.....	معنای شعری.....
۲۸۸.....	تأویل معنا.....
۲۸۹.....	حقیقت و مجاز.....
۲۹۰.....	ابن‌اثیر و هنجارگریزی.....
۲۹۲.....	هنجارگریزی در ساخت واژه.....
۲۹۳.....	هنجارگریزی در ساخت فعل.....
۲۹۴.....	مراحل سه‌گانه شکل‌گیری متن.....
۲۹۵.....	بافت‌گرایی ابن‌اثیر.....
۲۹۶.....	ابن ابی‌الاصبع (۶۵۴ هـ)؛ نقد.....
۲۹۶.....	صورت‌گرا.....
۲۹۷.....	صورت‌گرایی ابن ابی‌الاصبع.....
۲۹۷.....	نقد شعر.....
۲۹۹.....	روش نقدی.....
۳۰۰.....	نقد ذوقی.....
۳۰۱.....	روش زبان‌شناختی.....
۳۰۳.....	منابع.....
۳۱۹.....	نمایه.....

کلیات پژوهش

بیان مسئله

تردید نیست که شاخه‌های دانش بشری، همگی با هم منظومه‌ای را تشکیل می‌دهند که همه این شاخه‌ها با هم به معرفت بشری منجر می‌شود. هریک از دانش‌ها روش و رویکرد ویژه خود را دارند، ولی با این همه تفاوت در روش و رویکرد، در یک امر مشترک هستند و آن رشد معرفت بشری در حوزه‌های گوناگون معرفتی است. درهم‌تنیدگی شاخه‌های دانش بشری امری است بدیهی و این ویژگی در شاخه‌های علوم انسانی، بیشتر است. موضوع، روش و غایت در علوم انسانی با دیگر شاخه‌های دانش که از آن به علوم طبیعی یاد می‌شود، متفاوت است. اما در میان شاخه‌های علوم انسانی، تنها یک شاخه است که زیربنای معرفتی آن‌ها را شکل می‌بخشد و آن هم فلسفه است. اگر مثلث وجودی آدمی را در سه چیز، یعنی حقیقت، خیر و زیبایی، خلاصه کنیم که هیچ انسانی بدون این سه در درونش غایتی نمی‌جوید، باید گفت که این سه ویژگی در ساحت روانی و اندیشگانی آدمی را می‌توان به سه اصل و معرفت تأویل کرد و آن هنر، دین و فلسفه است. هنر، آن ساحت روانی زیبایی‌شناختی او را سیراب می‌کند و فلسفه، وجه حقیقت‌جویی او را و دین، ساحت خیرخواهی او را.

هنر، بیان و اظهار پرسش‌ها و حیرت و دغدغه‌های آدمی است در برابر پیچیدگی‌های زندگی و طبیعت. آنجا که آدمی در تحلیل رازهای ژرف این عالم حیرت‌زده می‌شود، بیان هنری به کمک او می‌آید تا بتواند آنچه را که بر زبان و کلام ممکن نیست، به تصویر کشد. هنر، دریچه‌ای است که آدمی در لحظه‌های حیرت و سرگشتگی به آن پناه می‌برد. آدمی در ساحت معرفت هنری، دست به محاکات می‌زند تا از ورای واقعیت‌ها به آنچه که کامل‌تر، زیباتر و برتر است، دست یابد. اما چرا آدمی ابتدا به سراغ هنر می‌رود تا از پرسش‌ها، دغدغه‌ها، حیرت‌ها و سرگشتگی‌های اندیشگانی آرام گیرد؟ پاسخ آن است که حس زیبایی‌شناختی همیشه بر اندیشه مقدم است. اما دین، پاسخی است به پرسش‌های بنیادین هستی‌شناختی و وجودی آدمی که آغاز و فرجام این زندگی کجاست؟ چگونه و با چه سازوکارهایی آدمی سعادت‌مند می‌گردد و از آن‌همه پریشانی و تعارضات اندیشگانی و روانی به آرامش می‌رسد؟ دین، متکفل این مسئله مهم در زندگی است.

اما فلسفه که در پی تفسیر جهان و وجود است، تسلی‌بخش مهم‌ترین ویژگی آدمی، یعنی اندیشیدن است. بی فلسفه نمی‌توان نه از هنر سخن گفت و نه از دین. فهم هنر و دین، منوط به اندیشه فلسفی است. نگاه فلسفی داشتن به جهان و مسائل آن، امری است گریزناپذیر. هیچ مسئله‌ای در این عالم نیست که فلسفه به آن نظر ندوخته باشد.

با اندیشه فلسفی است که می‌توان دست به تفسیر و تحلیل جهان زد. بنابراین فلسفه با تمام شاخه‌های معرفتی در تعامل است و به عبارت دیگر همه شاخه‌های معرفتی در تحلیل مبانی خود به فلسفه نیازمند هستند.

اما مسئله این پژوهش، با مطالب گفته شده پیوند وثیقی دارد. مسئله اصلی این پژوهش آن است که نقد ادبی به مثابه دانش تحلیل متن ادبی، هیچ‌گاه از مبانی فلسفی و اندیشه فلسفی جدا نبوده است. نظریه‌های نقد ادبی، محصول تغییر و تحولی است که در حوزه اندیشه آدمیان در هر دوره رخ داده است. نقد ادبی در پی تحلیل متن ادبی است و این هدف تنها با فهم و دانستن سازوکارهای متن میسر است. ناقدان ادبی آنگاه که به تحلیل ساخت و محتوای یک اثر ادبی می‌پردازند، با خود انگاره‌هایی از مبانی فلسفی دارند که با آن به تحلیل متن می‌پردازند. نقد در پی شناخت و کشف ویژگی‌های متن ادبی است و فلسفه هم در یک تعریف عام، دانش قوانین کلی وجود و اندیشه بشری است. بنابراین فلسفه در شکل‌گیری نقد و جهت‌دهی آن تأثیر بسزایی دارد. از طرفی در آغازین مراحل اندیشه‌های فلسفی، نقد هم‌عنان فلسفه بوده است. نقد نزد فیلسوفان بزرگی چون افلاطون و ارسطو پدید آمد و نزد آنان شکل گرفت و ارتباط آن با فلسفه چنان بود که به یکی از شاخه‌های فلسفه یونان بدل شده بود. بنابراین بررسی این مسئله، یعنی پیوند فلسفه و نقد و یافتن مبانی فلسفی نقد، دغدغه اصلی این پژوهش است. اما در عنوان پژوهش، تحدید موضوعی می‌یابیم که مبانی فلسفی و کلامی نقد ادبی عرب است. این یعنی پژوهش در پی یافتن آن سلسله مبانی و رویکردهای فلسفی و کلامی است که در شکل‌گیری نقد ادبی و رویکرد ناقدان عرب به متن ادبی تأثیرگذار بوده‌اند. از پیوند فلسفه با نقد ادبی سخن گفته‌ایم. اینک اشاره کوتاهی به پیوند کلام و نقد خواهیم داشت تا مسئله قدری روشن‌تر شود. پیداست که نقد در ادب عربی، مراحل زیادی را پشت‌سر گذارنده است. از دوره جاهلی که بر نقد ذوقی و احساس مبتنی است، آغاز می‌شود و در دوران عباسی به بهترین حالت و مرحله خود می‌رسد. در این دوره است که دانش‌های مختلف از تمدن یونانی به تمدن اسلامی منتقل می‌شوند و دوره طلایی تمدن اسلامی شکل می‌گیرد. این دوره جدید، دوره شکوفایی دانش نقد هم به‌شمار می‌آید. نخستین جلوه‌های آن را در نقد متن قرآن توسط متکلمان مسلمان می‌بینیم. این مرحله، مرحله کمال نقد ادبی عرب است که حاصل تلاش متکلمان مسلمان در حوزه قرآن‌پژوهی است. مرحله آغازین این رویکرد از قرن سوم هجری است و تا قرن ششم ادامه می‌یابد و ادب عربی شاهد رویکرد تازه‌ای در بررسی متن ادبی در حوزه نقد با معیارهای متکلمان است.

فضای علمی و عقلانی حاکم بر این دوره که بر اثر انتقال دانش‌های یونانی به جهان اسلام صورت گرفته است، موجب شد تا نقد ادبی هم تحت تأثیر اندیشه‌های فلسفی و کلامی قرار گیرد و نقد از رویکرد ذوقی و احساسی یا نقد اخلاقی و یا تاریخی به نقد با رویکردهای فلسفی - کلامی روی آورد. فضای جدید فکری و علمی در این دوران موجب شد تا نقد هم در عرصه نظری و هم عملی دچار تحول شود و رویکرد تازه‌ای به وجود آید. در این میان، متکلمان معتزلی عنایت ویژه‌ای به متن داشتند که این به‌خاطر دفاع از متن قرآن در برابر مخالفان آن بوده است.

پرسش‌های پژوهش

این پژوهش مبتنی بر دو پرسش است:

۱- نقد ادبی عرب از کدام مبانی معرفتی تغذیه کرده است؟

۲- مهم‌ترین جلوه‌های تأثیر فلسفه و کلام بر نقد ادبی عرب کدام‌اند؟

پاسخ به این پرسش می‌طلبد که هم روش تاریخی را در بررسی این روند به کار گیریم و هم روش تحلیلی را؛ چون با بررسی تحول تاریخی رویکردهای نقد در ادب عربی از آغاز تا دوران پختگی و کمال نقد ادبی عربی، به‌ویژه تأثیر مبانی فلسفی و کلامی بر نقد ادبی، بهتر می‌توان به آثار و نتایج آن دست یافت.

press.um.ac.ir

مفهوم‌شناسی

نقد

کلمه نقد^۱ از اصل یونانی Kritikos یعنی حکم کردن و قضاوت کردن گرفته شده است. پس نقد یعنی منطق بررسی حکم (لال‌اند، ۲۰۰۱، ج ۱، ص. ۲۳۷). واژگان دیگری نیز در همین حوزه معنایی به کار رفته‌اند، از جمله

– دانش معیارها که به بخشی از منطق مربوط می‌شود.^۲

– معیار و میزان: این واژه پس از ارسطو مطرح شد، ولی در زبان انگلیسی به معنای قالب یا مبدأ تقسیم‌بندی و بیان آمده است (همان، ص. ۲۳۷).

– تشخیص بیماری^۳

– بحران^۴

– لحظه دشوار یا لحظه‌ای که بیماری به اوج بحران می‌رسد.^۵

– سنج و میزان^۶

– رویکرد نقدی یا انتقادی^۷

– بررسی متون ادبی^۸ که اولین بار در قرن سوم قبل از میلاد و توسط فیلسوفان رواقی به کار رفت.

– بررسی یک اصل یا یک پدیده برای حکم و ارزیابی آن (همان‌جا).

نقد یعنی ارزیابی جنبه‌های مثبت و منفی اثر ادبی و به دو حوزه نظری و عملی تقسیم می‌شود:

– نقد نظری^۹

– نقد عملی^{۱۰}

در نقد نظری ناقد می‌کوشد تا به مبانی فکری و ساختار باورهای نقدی و زیبایی‌شناختی دست یابد، ولی نقد عملی، تطبیق این مبانی بر آثار ادبی است. در حوزه ادبیات واژه نقد با دو حوزه از تجربه‌های فرهنگی در پیوند است: یکی حوزه تجربه فردی شناخت ادبیات که هم متوجه نقد است و هم ناقد؛ یعنی تولد نقد و ناقد در ادبیات با هم هم‌زمان است. بنابراین بررسی نقد هم‌زمان با بررسی مبانی ناقدان نیز هست.

1. Critics
2. Critériologie
3. Crieterium
4. Criticus
5. Crisis
6. Critical

7. Criterion
8. Criticism
9. Critique
10. Theoretical Criticism
11. Pradical Criticism

نقد نقد

موضوع این کتاب در حقیقت نقد نقد است. یعنی نقد به مثابه یک موضوع معرفت‌شناختی، نه یک روش یا ابزار عملی در تحلیل و نقد متن. نقد نقد را می‌توان در گفتمان تاریخ نقد و تحقیق پیرامون نقد بررسی کرد. نقد نقد را می‌توان فرانقد^۱ نامید. نقد نقد، نظریه‌پردازی هم نیست و نظریه‌پردازی هم به نقد نقد ارتباطی ندارد. شاید تصور شود که تاریخ ادبیات یا نظریه‌هایی که در آن مطرح شده است، همان نقد نقد باشد. اما چنین نیست، نقد نقد یا فرانقد به مبانی معرفتی مکاتب نقدی، روش‌های نقدی، نظریه‌های نقدی و رویکردهای نقد می‌پردازد. در این رویکرد جدید در نقد که همان فرانقد است، پیش‌فرض آن است که هر مکتب نقدی و یا هر نظریه در نقد، بر یک سلسله مبانی معرفتی که می‌تواند فلسفی یا کلامی باشد، تکیه کرده است و نقد نقد به نقد آن مبانی می‌پردازد. نقد نقد می‌تواند دارای پیش‌فرض‌های زیر باشد:

۱- آزمون موضوع، یعنی نقد

۲- کشف منطق موضوع

۳- تأویل موضوع و جای دادن آن در یک حوزه معرفت‌شناختی (الدغمومی، ۱۹۹۹، ص. ۵۴).

البته خاستگاه این فرضیه‌ها همان مسائلی هستند که در درون دانش نقد ادبی و روابط متعدد آن با دیگر حوزه‌ها مطرح است. روابطی مانند

- مفاهیم نقدی یا دیگر مفاهیم معرفتی

- رابطه نقد ادبی با موضوع نقد

- رابطه نقد ادبی با نظریه‌های ادبی

- نقد ادبی با ساختار فرهنگی جامعه

- حرکت نقد ادبی در طی زمان

- نظام‌های نظریه‌پردازی نقد

نقد نقد در چهارچوب معرفت‌شناسی^۲ (اپیستمولوژی^۳) یا یا نظریه المعرفة جای می‌گیرد. معرفت‌شناسی یکی از شاخه‌های مهم فلسفه است. البته میان معرفت^۴ و دانش به معنای خاص، یعنی Science، باید فرق گذاشت. در معرفت‌شناسی، علم از دو حیث مورد بحث و بررسی قرار می‌گیرد:

۱- نخست، جنبه وجودی و هستی‌شناختی

۲- دوم، جنبه حکایت‌گری

در جنبه نخست ارتباطی با واقع ندارد، ولی در جنبه دوم، واقع‌نمایی و امکان رسیدن به واقعیت و مطابقت آن مدّ نظر است. اما معرفت‌شناسی به معنای «توجیه باورها» و با توجّه به جنبه دوم تعریف علم، تعاریف زیر را دارد:

1. Metacritic

2. Theory of Knowledge

3. Epistemology

4. Knowledge

۱- علم شناخت ابزار تفکر است.

۲- شاخه‌ای از فلسفه که به ماهیت، حدود، پیش‌فرض‌ها و مبانی معرفت می‌پردازد.

۳- علم توجیه باورهاست (هاملین^۱، ۱۳۷۴، ص. ۱).

با این توضیح، معرفت‌شناسی نقد ادبی به بررسی ماهیت، حدود، پیش‌فرض‌ها و مبانی این دانش در طی تاریخ شکل‌گیری آن و همچنین به مبانی و پیش‌فرض‌های ناقدان و نظریه‌ها و مکاتب نقدی می‌پردازد. نقد نقد یا فرانقد را پژوهشگران معاصر عرب چنین تعریف کرده‌اند:

- مطالعه نقدی است که محور آن شناخت فلسفه نقد، فرایند نقد و اهداف آن است (ریاحی، ۲۰۰۹، ص. ۳۵).

- نقد نقد یعنی راست‌آزمایی پژوهش در پرتو داده‌های علمی و نظری با معیارهای ویژه که صاحب نظریه را در نظریه نقدی وامی‌دارد که به نسبت اعتراف کند (نبیل، ۱۹۸۳، ص. ۲۵).

- فعالیتی است در حوزه معرفت‌شناسی که به بررسی دیدگاه‌های نقدی می‌پردازد و از درستی مبانی نظری آن، ابزارهای تحلیل و تطبیق آن مبانی پرده برمی‌دارد (عصفور، ۱۹۹۱، ص. ۱۱).

- توانایی بررسی آثار نقدی از حیث پابندی به تطبیق اصول و مبانی نظری روش و رویکرد انتخاب شده برای تطبیق بر آثار هنری و ادبی و بیان کامیابی یا شکست آن مبانی که کاری است بس دشوار؛ چون فرض آن است که ناقد نقد، از خود ناقد، آگاه‌تر باشد (بلوچی، ۲۰۰۰، ص. ۵).

پیشینه نقد به مباحث نقدی میان افلاطون و ارسطو برمی‌گردد که ارسطو نسبت به دیدگاه نقدی استادش، افلاطون، موضع می‌گیرد و نظریه محاکات یا بازنمایی ارسطو نخستین گام در حوزه نقد نقد بوده است که نسبت به نظریه مثل افلاطونی برگرفته شده است. در دوران جدید نیز می‌توان از دو ناقد برجسته نام برد که پایه‌گذار نقد نقد در مغرب‌زمین هستند: یکی تودوروف^۲ و دیگری رولان بارت^۳. در سنت نقدی عرب نیز می‌توان از ناقدان بزرگی نام برد که در آثار نقدی‌شان درحقیقت به کار نقد نقد می‌پرداختند، ولی از این اصطلاح استفاده نمی‌کردند. مطالعات نقدی در آثار کسانی چون قدامة بن جعفر، عبدالقاهر جرجانی، ضیاءالدین ابن اثیر، ابن رشیق و ابن طباطبا علوی نشان از رویکرد نقد نقد دارد.

الزامات در نقد نقد

در گفتمان نقد نقد یا فرانقد، لازم است که مفاهیم و مبانی معرفتی و روشی در آن مشخص باشد تا بتوان به هدف این دانش جدید رسید. از جمله

- آگاهی معرفت‌شناختی در حوزه مبانی نقد

- داشتن نظریه دقیق

1. Hamline
2. Todorov

3. Roland Barthes

- قدرت استدلال فلسفی و منطقی

- روشن بودن فرضیه‌ها

هدف نقدِ نقد «روشن کردن رویکردهای به کار گرفته شده در نقد آثار ادبی توسط ناقدان است» (سویرتی، ۱۹۹۱، ص. ۱۷). با تبیین هدف نقدِ نقد می‌توان تفاوت آن را با نقد ادبی مشخص کرد. از جمله تفاوت‌های نقد ادبی با نقدِ نقد به قرار زیر است:

۱- نقدِ نقد، واقع‌گراست.

۲- رابطه تازه‌ای میان خواننده و متن برقرار می‌کند.

۳- اساساً بر گفت‌وگوی چندجانبه تکیه دارد.

۴- به کنش‌ها و واکنش‌ها و اعتراضات و تأییدات ناقدان می‌پردازد.

۵- نقدِ نقد به طرح پرسش‌های معرفتی پیرامون نقد می‌پردازد (باقرجاسم، ۲۰۰۹، ص. ۱۱۸).

اکنون می‌توان گفت که نقدِ نقد فرایندی است پیچیده با ویژگی معرفت‌شناختی و دارای کارکردهایی است که برای رسیدن به اهدافی که در نظر است، به بررسی دیدگاه و رویکرد ناقدان می‌پردازد. کارکردهای نقدِ نقد را می‌توان در امور زیر خلاصه کرد:

۱- روشن کردن عوامل تأثیرگذار فرهنگی، اجتماعی و سیاسی بر ناقد ادبی که رویکرد خاصی را برگرفته است.

۲- نقدِ نقد، هدف دوگانه دارد: یکی خوانش متن نقدی و هدف دوم، ارائه خوانش خاص خود.

۳- تعیین نظام‌های پنهان فرهنگی و روان‌شناختی که موجب شد ناقد ادبی، رویکرد خاصی را برگزیند.

۴- بررسی حرکت نقد ادبی و تحولات آن و پیوند میان عوامل بیرونی تأثیرگذار بر نقد ادبی (هارون، ۲۰۱۲، ص. ۱۲۶).

بنابراین اگر کارکرد نقدِ خود اثر ادبی است، کارکرد نقدِ نقد، خود نقد است. یعنی موضوع نقدِ نقد، نقد ادبی است. به عبارت دیگر، موضوع نقدِ نقد، گفتمان نقد است، نه گفتمان ادبی. تفاوت نقدِ نقد با نقد ادبی آن است که زبان نقدِ نقد، توصیفی است، ولی زبان نقد ادبی، تجویزی. نقد ادبی در پی تبیین حُسن و قبح اثر ادبی است، ولی در نقدِ نقد مبانی نقد توصیف می‌شود.

در نقد معاصر عربی، در حوزه نقد ادبی آثار فراوانی نوشته شده است، ولی عموماً به مبانی نقد و به‌ویژه نقد عملی پرداخته شده است. اما در حوزه نقدِ نقد یا فرانقد، می‌توان به دو مرحله در نقد معاصر عربی اشاره کرد:

۱- **مرحله آغازین:** این مرحله از اواخر قرن نوزدهم با کتاب *فی الشعر الجاهلی طه حسین* آغاز می‌شود که زمینه‌های این گونه نقد را فراهم می‌کند و این اصطلاح بر اثر او اطلاق نشده و او نیز اشاره‌ای به آن نداشته است.

۲- **مرحله تأسیس:** در این مرحله به تدریج مبانی نظری نقدِ نقد مطرح می‌شود و آثار ناقدان معاصر به گونه‌ای در پی مبانی نقدِ نقد است.